

نمادشناسی نقوش آئینی علم‌های مذهبی ایران

روح افزا قدوسی^۱

فاطمه ملایجردی^۲

چکیده

هنرهای قدسی در طول سال‌های متمادی در حال تغییر و تحول بوده است. عاشورا بزرگترین نماد در فرهنگ مذهب شیعه می‌باشد و هنر در مقوله عاشورا بسیار گسترده است و در این میان آداب فرهنگی و معنوی را به همراه خود دارد که دارای بار فرهنگی و مذهبی هستند. امروزه علامت‌های عزاداری عمدتاً از فلزات ساخته می‌شوند و تیغه‌های فلزی انعطاف‌پذیر در آن‌ها به صورت عمودی بر روی یک پایه فلزی قرار گرفته‌اند. هر چند این علم‌ها نشانگر عزای حسینی و محرم است، از دیدگاه اکثر جامعه به عنوان یک میراث فرهنگی به شمار می‌رود و رسالت اصلی آن زنده نگه داشتن واقعه کربلا است. این پژوهش در پی آن است، با بررسی عناصر و نقوش به کار رفته در علم‌های مذهبی ایران، به رمزگشایی مفاهیم آن‌ها بپردازد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و به شیوه کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. علم به عنوان مهمترین ابزار نمادین مراسم سوگواری عاشورا، متشکل از مجموعه‌ای از نمادهای حیوانی، گیاهی، نقش‌های تزئینی اسلامی و نوشتاری است که مجموعه‌ای از عقاید و باورهای مذهبی و سرمنشأ برخی از عناصر را از دوره باستان نشان می‌دهد.

کلید واژه: علم، آیین، مذهب، عناصر، نقوش.

مقدمه

درفش از دوران باستان تا کنون کاربردی نمادین داشته است و رنگ‌ها و نگاره‌های به کار گرفته شده در انواع آن ارتباطی تنگاتنگ با ریشه‌های نژادی، اسطوره‌ها و ارزش‌های معنوی آن قوم یا ملت دارد. قدمت درفش‌ها و علامت‌های نظامی، سلطنتی و مذهبی در ایران به گذشته‌های دور بازمی‌گردد. شاهد این مدعا نقوش موجود بر مفرغیه‌های لرستان و نیز تصاویر نشان‌های هخامنشی و متون مربوط به آن‌ها و تصویر نشان‌های ساسانی در نقش رستم می‌باشد. دهخدا، با استناد به واژه‌نامه‌های کهن، واژه بیرق را ترکی و هم‌سان علم، لواء، درفش، اختر، رایت در نظر می‌گیرد. وی بیرق را حریر رنگینی که بر سر علم و نیزه و کلاه خود بندند، معرفی می‌کند. (دهخدا، ۱۳۷۳)

درفش‌ها را به لحاظ کاربرد، میتوان اینگونه بررسی نمود:

- شناسایی لشکر برای سپاهیان در هنگام جنگ
- مشخصات هیأت، حزب، فرقه، کشور
- نشان مذهبی
- کاربرد سلطنتی

۱- مربی (هیئت علمی گروه صنایع دستی دانشگاه بجنورد)، دانشگاه بجنورد، roohafza.ghodoosi@gmail.com

۲- کارشناس صنایع دستی، دانشگاه بجنورد، honarjo485375@gmail.com

علم و علامت فقط مختص به ایرانیان و مسلمانان نمی باشد، بلکه هر دین و جامعه ای علامت و نشانه ای برای خود دارند که از جمله آن می توان به صلیب در دین مسیحیت و یا شمعدان های مقدس در دین یهود اشاره کرد که به عنوان علم (علامت) و یا نشانه شناخته می شوند، در آیین میترائیسم و نیز دین زرتشت، علم و نشان هایی وجود دارد که بیانگر میترا و دین مقدس زرتشت به حساب می آیند. صورت های تمثیلی و رمزی رفتارهای مذهبی و کاربرد اشیاء نمادین در مناسک و مراسم مذهبی، دارای معانی ویژه ای است که درک آن ها با فهم عقاید و تفکرات دینی آن قوم، امکان پذیر خواهد بود. آیین های علم گردانی و نخل گردانی در ایام سوگواری از این دست عزاداری های سمبولیک هستند.

بیشتر علم ها بعد از رواج تشیع مورد استفاده ی دسته های عزاداری قرار گرفت. علم نشانه سوگواری و استعاره ای از شهادت است. بر روی علم معمولا پرچمی نصب می شود که نقوشی در ارتباط با واقعه عاشورا روی آن نقش شده است و در آن آیات و روایات و اشعاری در توصیف شهامت، دلاوری و ایستادگی امام حسین(ع) و یارانش نوشته اند. گردش علم در مراسم عزاداری محرم، روایتی آیینی و سمبولیک از تاریخ، اندیشه و آرمان شیعه است.

علم در ایران نشانه هویت ملی است. سنت های عزاداری های ایرانی - اسلامی که به طور ویژه در آیین های سوگواری امام حسین(ع) در ایام محرم متجلی شده است را می توانیم در منابع تاریخی دوره حکم فرمایی پادشاهان ایرانی آل بویه در بغداد که بخشی از حوزه فرهنگی ایران است، جستجو کنیم. اما طبعاً در دوره آل بویه با رسمیت یافتن عزاداری و آزادی عمل شیعیان نسبت به دوره های پیشین، آیین هایی مانند دسته روی ها، حرکت های نمادین عزاداری مانند بستن مغازه ها و آویختن پلاس بر سر در آن و همچنین برداشتن نمادهای عزاداری مانند تابوت واره و حتی تصویر سازی وقایع تاریخی مانند آنچه اهل سنت درباره جنگ جمل و شبیه عایشه و طلحه و زبیر ساختند و همچنین رقابت ها و کشاکش دسته های عزادار به ویژه بین شیعیان و گروه هایی از اهل سنت کاملاً صورتی متفاوت یافت و ساختار آیینی گرفت. (فقیهی، ۱۳۶۶: ۴۶۶-۴۶۸)

بدین ترتیب می توان گفت، دسته های عزاداری در دوران اسلامی از نیمه قرن چهارم هجری، یعنی از زمان آل بویه آغاز و یا علنی شد و بعدها در دوره صفویه و سپس قاجار توسعه و تحول یافت. پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این سوالات است: ۱- بیشترین نقوش و عناصر به کار رفته در علم های آیینی چه هستند؟ ۲- چه ارتباطی میان عناصر و مفاهیم مرتبط با کاربرد آن ها برای علم وجود دارد؟

علم های آیینی

هنر اسلامی ایران دارای گنجینه عظیمی از معانی عمیق عرفانی و حکمت الهی است. زیرا این هنر ریشه در بنیانهای ژرف تفکری معنوی و الهی دارد. این هنر گاه با خلق صورتهای جدید و گاه با بهره گیری از تصاویر و فرم های هنری گذشته همچون ایران باستان و ایران قبل از اسلام و با نگرش معنا بخش مجدد به آن ها به پی ریزی فرهنگی بس غنی و شکوفا در تمدن اسلامی پرداخت.

علم نشانی از پرچم بر افراشته ای است که زمانی در دست علمداری بوده و اکنون از دست افتاده و به ضرورت باید توسط علمدار دیگری برداشته شود تا به این وسیله راه رهروان حقیقت و مردان بزرگ و خدا جوی ادامه یابد. علم های آیینی در ایران از فلز ساخته شده و شامل تیغه هایی می باشند که اغلب به تعداد فرد در نظر گرفته میشوند. با در نظرگیری دوازده امام و نیز غایب بودن یک امام، به تعداد یک تیغه کمتر در نظر می گیرند. علم پنج تیغه نماد پنج تن می باشد.



همیشه زبانه تیغه میانی که آن را "شاه تیغ" می نامند از باقی تیغه ها پهن تر و بلند تر است و تیغه های دو سوی آن تا دو سر علامت به ترتیب یکی از دیگری کوتاهتراند. گاهی نیز از بچه تیغ به عنوان نمادی از دو طفلان مسلم بر روی تیغه ها استفاده می شود. تیغه ها از فولاد و با حالت فنری ساخته می شوند تا انعطاف پذیر بوده و روی آن ها را امروزه طلاکوب کرده و یا بر آن ها تکه هایی از طلا یا برنج قلمزنی شده یا مشبک متصل می کنند. همچنین بر روی برخی تیغه ها و به خصوص شاه تیغ آیات قرآنی یا عبارات دعایی و همچنین اسم ائمه کنده و یا نقش می گردد. (الهی، ۱۳۷۷:۳۷)

به طور کل، اجزای اصلی علم شامل احجام فلزی مانند: پنجه دسته، مکعب، کره و فرم های اسلیمی، سرو، گلدان، کوزه، ماه، خورشید، جا شمعی، زنگوله، طاووس، کبوتر، هدهد، خروس، شیر، آهو، گوزن، قوچ، اژدها، پرنده با سر انسان (براق) که بر آن نصب می گردند. اجزا دارای نقش های اسلیمی، ختایی، خورشید، کتیبه، بته جقه، ترنج، نقش صورت، پرنده، نقوش هندسی و انتزاعی می باشند که زیبایی علم را دو چندان می کند. ملحقات علم شامل پرهای رنگین، فانوس، چراغ، سپر، شمشیر، تبر زین همراه کشکول، پارچه های رنگی و ترمه جهت نذرها، کمر بند چرمین و سنگ های قیمتی که در روز خاصی با آداب خاص بر روی علم نصب و در ایام خاصی، ملحقات از علم برداشته می شوند.

شاسی در واقع همان محور افقی علامت و اسلیمی های آن می باشد که شکلی منحنی و اسلیمی مانند دارد، به دو صورت چهار وجه موجود می باشد. حیواناتی که معمولاً بر روی علم استفاده می شوند عبارتند از: شیر، اژدها، مرغ رُخ (براق) طاووس، کبوتر، شانه به سر، خروس، مرغ شاخدار، گنجشک، شتر، گوزن، قوچ و اسب. (تصویر ۱)



تصویر ۱- علم طلاکوب، قرن سیزدهم هجری، محل نگهداری: موزه مرکزی آستان قدس رضوی

نقوش تزئینی جزء لاینفک هنر ایران، خصوصاً در دوره اسلامی است. تزئینات در هنر ایران به صورت های مختلفی تجلی پیدا کرده است. نقوش منحنی اسلیمی و گیاهی، نقوش هندسی و گره چینی، نقوش کتیبه و خط نگاره ها، نقوش حیوانی و انسانی، اساسی ترین الفبای تزئینات هنر ایران هستند.

همانند دیگر هنرها، وجود اسلیمی و نقوش گیاهی، در بسیاری از پرده ها و بیرق ها و علم ها و ابزار آلات مربوط به عزاداری سالار شهیدان دیده می شود. از این نقوش، برای پر کردن فضاهای خالی بین خطوط و کمک به ایستایی و استحکام ترکیب بندی در خط نوشته استفاده می نمایند. نقوش گیاهی در تزئینات روی سمبل های حیوانی و نیز بر روی ابزار آلات جنگی و تزئینی به

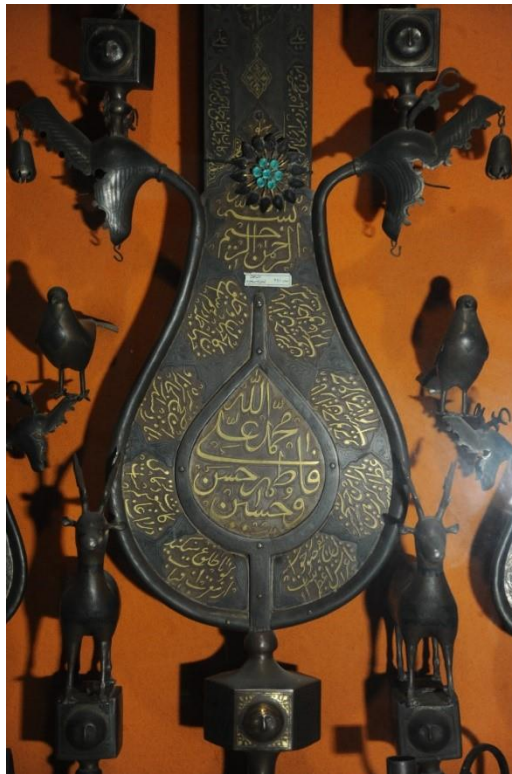


کار رفته است. نقوش گیاهی یا اسلیمی ها، نوعی ارتباط دهنده، هماهنگ کننده و متعادل کننده طرح با زمینه می باشند، که بسیار زیبا عمل می نمایند.

در بسیاری از پرده ها، علم ها، بیرق ها و غیره که در مراسم عزاداری حضرت سید الشهدا به کار می روند، از خط نوشته ها به صورت مختلف، ترکیب های متفاوت و منسجم به کار گرفته شده است. خط نوشته ها شامل چند دسته اند، از آن جمله خطوط قرآنی، ادعیه و احادیث، اسماء الله، اسماء متبرکه و اهل بیت (ع). همانطور که پیش تر ذکر آن رفت، از نقوش گیاهی برای ایجاد ترکیب بندی محکم و ایستا و نیز پر کردن فضاهای خالی بین خطوط استفاده می شود. عمده این نوشتار، به صورت مشبک بر دل تیغ ها و به خصوص شاه تیغ نقش می شود و زیبایی فوق العاده ای را در کل تیغه به وجود می آورد. در نگاه اول جنبه مذهبی خود را باز می نمایند و در عین حال، هماهنگی کاملی با حاشیه تیغ دارد که با خطوط ریزتر شامل دعا و آیات قرآن، دور تا دور نوشته شده است.

معمولاً از اسامی و القاب و صفات پروردگار در رأس خط نوشته ها استفاده می شود و مابقی خطوط و طرح ها در پایین آن می آید. علاوه بر کلمه "الله"، نمونه هایی از القاب و صفات و اسماء پروردگار به کار رفته در علم ها، ستار العیوب، ارحم الراحمین، مقلب القلوب، جبار، کریم و غیره می باشد. اسماء متبرکه و اسماء اهل بیت (ع) پایین تر از نام مبارک پروردگار می آیند. خط نوشته های یامحمد (ص)، یا علی(ع)، یا حسن (ع)، فاطمه (ع)، یاحسین (ع)، و تمامی دوازده امام و چهارده معصوم در تمامی نمادها و ابزار آلات و وسایلی که در مراسم عزاداری به کار می رود، وجود دارند.

در بعضی از موارد نیز بعضی از القاب متبرکه مانند: یا سید الشهداء، یا سید الساجدین، یا باقر العلوم و یا قمر بنی هاشم، استفاده می شود. نام مبارک علی ابن ابیطالب یکی از نام هایی است که بعد از نام مبارک الله از بیشترین تنوع در ترکیب بندی برخوردار بوده است. حب علی و کردار علی منشأ و چاشنی خوبی برای تولید این همه آثار با نام مبارک ایشان بوده است. (مردانه، ۱۳۹۳: ۱۳۷-۱۳۸) (تصویر ۲)



تصویر ۲- کتیبه طلاکوب بر تیغه میانی علم آستان قدس، محل نگهداری: موزه مرکزی آستان قدس رضوی، (نگارنده)



عناصر نمادین در علم

در هنر اسلامی ایرانی استفاده از شکل باستانی چلیپا که در ساخت علم نیز از این شکل چلیپایی استفاده شده دارای رمز و رازی عرفانی است. فرم چلیپا از دیر باز نقش تعویذ را ایفا می کرد و به عنوان سپری علیه چشم زخم و مانعی برای ورود اهریمن منظور شده است و به کاربرد آن در ساخت علم یا علامت، انتخاب آگاهانه هنرمند را از جهت برگزیدن این نقش مایه برای انتقال پیامش نشان می دهد.

هنرمندان اسلامی حکمت و هویت ملی-مذهبی ایرانیان را در احجامی نمایان ساخته اند که نمادی از کمال انسانی است. «علم» به عنوان هویت ملی-دینی، در فرم چلیپا، رمز و نماینده بر حق «انسان کامل» است. انسانی که کلیه دوگانگی های منطبق بر دو محور چلیپا که شامل خصلت های آسمانی و زمین است در او به تعادل رسیده است. و در محل تقاطع دو محور انسان کامل قرار دارد که بندگان را از سمت محور قائم (نیمه زیرین) آن به سوی سیر صعودی و پروردگار هدایت می کند. (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۱۶) درخت سرو و استفاده از نقش آن با سنن باستانی ایران همبستگی خاص داشته و نشانه ای از جاودانگی روح و زندگی جاوید و در عین حال مظهری از جنبه مثبت و مفرح روح و زندگی مذهبی می باشد.

علم های سروی شکل که در گذشته به کار می رفت، ابتدا یک تیغه سپس سه تیغه و بعدها پنج تیغه شد و رفته رفته به تعداد تیغه ها افزوده گردید و به بیست و سه تیغه هم رسید. زبانه تیغه میانی از تیغه های اطرافش پهن تر و بلند تر، و تیغه های دو سوی آن تا دو سر علامت، به ترتیب یکی از دیگری کوتاه تر است. تیغه های علم هارا در گذشته اغلب از فولاد می ساختند و روی آن ها را کنده کاری و طلا کوبی می کردند. روی برخی از تیغه ها، به خصوص تیغه میانی، آیه های قرآنی یا عبارات های دعایی قلمزنی و یا مشبک کاری می شد. در دو سر تیرک افقی تیغه دارف معمولاً تندیس دو اژدهای فلزی دهان گشوده و در فاصله میان تیغه ها، صندوقچه های مشبک ضریح مانند، پنجه، کبوتر، طاووس، گوی و قبه فلزی کار می کردند. از سر زبان تیغه ها هم معمولاً زنگوله های فلزی آویز می شد. علم ای که تیغه میانی آن، بسیار بلند و پهن بوده و هنگام تعظیم و سلام، انعطاف پذیری آن بیشتر و به اصطلاح "خوش سلام" باشد، علمی خوش جنس و خوش ساخت به شمار می رفت. در محرم علامت را با انداختن چند تخته شال ترمه و پارچه های حریر سبز و سیاه بر روی چوب افقی و در میان تیغه ها و قرار گیری پر و گاهی فانوس روشن می آرایند.

آتش در واقع در چرخش، به عنوان گردونه مهر و نماد گرمی و همچنین نماد عنصر پاک کننده گناه و روشنایی در نظر گرفته می شود. به همین منظور آتشدان هایی بر روی علامت ها نصب می شده و البته امروزه هم نصب می شود که نماد این عنصر مقدس بوده است. باد نماد حرکت و باروری می باشد که برای بیان وجود و تقدس آن بر روی علامت ها، پرهایی بر آن، نصب می کردند که البته امروزه هم نصب می شود. آب نیز که نماد زندگی و پاکی و نشانی از آناهیتا است، با نصب مشک هایی بر علم تداعی می گردد. امروزه مشک ها را به حضرت ابوالفضل(ع) و سقایی ایشان در کربلا نسبت می دهند. خاک نیز که نماد زندگی و وجود آدمی است، مفهوم آن با به کارگیری عنصر آهن برای ساخت آن، تداعی می شود، که آهن خود از زمین و خاک حاصل می شود.

۱- مرغ رخ (براق)

در واقع پرنده ای است که پیامبر سوار بر پشت آن به معراج رفت، دارای ترکیبی از پرنده با صورت انسان می باشد که تندیس آن معمولاً در کناره های علامت و به عنوان نگهبان و حافظ کل آن استفاده می شوند. در مجموع استفاده از نقش پرندهگان به عنوان نمادی از پرواز روح به سوی جهان حقیقت و سمبل آزادی پذیرفته شده است. همانطور که پیش تر ذکر شد، تیغه های علم به دلیل غیبت یکی از امامان شیعه، فرد می باشد، اما نماد امام زمان(ع) در علم به صورت طاووس نمود پیدا می کند که نشانگر منتقمی است که طول عمر فراوانی دارد.

**۲- کبوتر**

کبوتر در آثار عرفانی نماد روح و جان می باشد و همواره با دیدن کبوتر و ارج گرفتن او، جدایی روح از جسم و بدن برای بشر تداعی می شود. در فرهنگ ملل مختلف نیز کبوتر رنگ اسطوره ای یافته است و با توجه به جنبه های نماد شناسی، مظهر روح حیات، جان، عبور از جهان به جهانی دیگر، روح منور، عفت، معصومیت، صلح و جنس مؤنث دانسته شده است. کبوتر رمز روح، احساس های معنوی، آرمان و آرامش است.

کبوتر مظهری از معصومیت بهشتی شهدای کربلا و کبوتران فولادی نشانگر عزم راسخ آنان در مقاومت و طاووس نیز سمبلی از وسوسه های زشتی و زیبایی انگاشته شده است. اسب و شتر هم به دلیل همراهی با کاروانیان کربلا در هنگام جنگ و اسارت، به کار گرفته می شوند و تبر نیز مظهری از قدرت مبارزه شناخته می شود. (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

۳- هدهد

نقش هدهد در حوزه ادبیات قدیم در موارد متعددی به چشم می خورد و در بین پرندگان، مقام رهبری را دارد که آنان را از کثرت به وحدت دعوت می کند. در میان پرندگانی که در نظم و نثر فارسی، در خدمت مضمون پردازی شاعران و نویسندگان بوده اند، هدهد به دلیل حضور در داستان قرآنی حضرت سلیمان، همواره ایفاگر نقشی نمایان و برجسته بوده است. هدهد به عنوان مرغی خردمند، راهنمای دیگر مرغان به سوی سیمرغ است. هدهد نشانه سفیر و پیام آوری عاشورا و قیامت می باشد.

۴- شیر

شیر در کنار شاه تیغ و مانند نگهبان و محافظ است و در مذهب شیعه مظهر امام علی(ع) است که در ذهن مردم نقش بسته است. نقش شیر مظهر و نشانه آریایی کهن و بالاخص سمبل ایران و ایرانی بوده است، چون ارتباط خاص با اعتقادات آنان داشته است. نقش شیر در حجاری ها و آثار هنری آریاییها و بخصوص نزد مادها و هخامنشیان جلوه های میترا یا مهر است و پس از هورامزدا (خداوند آسمان ها) آن را بیش از سایر فرشتگان گرامی می داشتند.

شیر از نمادهایی که در فرهنگ و هنر ایران زمین بسیار برجسته بوده و از آن به عنوان نماد ایرانی یاد می شود، نقش «شیر» است. از آنجایی که شیر خود نماد ملی ایرانیان است، شمایل این حیوان خود نشان و نماد ایرانیان محسوب می شود. سر شیر به نشانه مراقبت و هوشیاری و اندام پسین او مظهر قدرت است. از معانی نماد شیر می توان از آتش، پارسایی، پرتو خورشید پیروزی، تابستان، روح زندگی، سلطنت، شجاعت و قدرت الهی و گرمای خورشید، مراقبت و مواظبت، نیروی مافوق انسانی و مادون انسانی نام برد. در دوره هنر اسلامی نیز از اواخر دوران سلجوقی «نقش شیر و خورشید» به عنوان نماد شیعه شکل گرفت که نقش خورشید تعبیری از پیامبر اسلام(ص) و شیر نماد حضرت علی(ع) بوده است. شیر نماد قدرت خاکی و خورشید نماد قدرت آسمانی بوده است که در ترکیب با هم، قدرتی رسیده از آسمان را برای مردم بیان می کند.

۵- اژدها

آتش را می توان سمبل عقوبت و سرانجام کار یزیدیان، آتش جهنم و اهریمن دانست. شکل علم ها با سرهای اژدها شباهت به درخت زندگی(درخت مقدس) ایران باستان دارد که یزیدیان در هیبت اژدها، در صدد حمله به شجره نبوت و آفت رساندن به آن می باشند. آن از اژدها به عنوان نماد سلطنتی یاد کرده است و آن را حافظ آیات قرآنی منقوش بر تیغه ها می داند که با نفس آتشین خود از این آیات پاسداری میکند. (آلن، ۱۳۸۱: ۱۱۰)

۶- پرهای رنگین

پر دارای معانی گوناگونی است، اعم از قوای بدنی و قوای روحی، قدرت های بیرونی و درونی، نماد نیروهای روحانی، معنویت و نمادی از نیروی اندیشه و تعلق می باشد. در مراسم دسته های عزاداری و تعزیه خوانی پرها اغلب به رنگ های قرمز، سفید، زرد، آبی، سبز هستند و در تعزیه به عنوان جداکننده ی بدکاران از اولیا به کار می رود.

۷- تیرهای فولادی

تیرهای فولادین، مظهر مبارزات شیعه و علویان است. تیر به عنوان یک سلاح قدیمی میزبان نقوش مختلف در هر دوره می‌گردد. در مفرغ‌های لرستان این سلاح با نقش شیر ترکیب می‌شود که به لحاظ کاربرد این سلاح در جنگ، ترکیبی منطقی است. در دوران بعدی هر چه که کار هنرمندان بر روی این سلاح بیشتر می‌شود، کارآیی آن کمتر و بیشتر جنبه‌ای نمادین و تشریفاتی به خود می‌گیرد. در دوران اسلامی شعاعری مذهبی از قبیل نصر من الله و یا چهره خاندان امامت بر روی آن نقش می‌بندد و یادآور درویش است و نشان از جنگ بر علیه ظلم دارد و مظهر مبارزات شیعه و علویان است. از این تیرها به عنوان ابزاری نمادین در عاشورا و مراسم تعزیه استفاده می‌شود. (ذوالفقاری، ۱۳۷۲: ۳۰)

۸- زنگوله

آویزان نمودن تعداد زیادی زنگوله آویزان از تیغه‌های آن است که هنگام حرکت علم، آهنگی آشنا که یادآور زنگ شتران کاروان است را تداعی می‌نماید و بدین ترتیب به بازسازی فضای کربلا کمک می‌نماید. در لغت نامه دهخدا آمده است که آلتی فلزی که درون آن میله‌ای فلزی است و به معنی ناقوس و کرکری صدای نامساعد و حزن‌انگیز ایجاد می‌نمایند که یادآور خاطرات تلخ به اسارت بردن اسیران کربلا و آشفته‌گی در سپاه کفر است و سبب بهتر به تصویر کشیدن صحنه حرکت کاروان اسیران کربلا در غروب عاشورا و ایجاد همدلی و جوش و خروش بیشتر و برانگیخته شدن بیشتر عزاداران و سوگواران می‌گردد. (همایونی، ۱۳۸۶: ۵۵)

جایگاه زنگوله بر روی دهان اژدها قرار دارد هنگام حرکت علم صدای زنگوله به صدا در می‌آید و مردم را آگاه می‌کند که مراقب نفس اماره باشند و خطری را برای انسان‌ها گوش زد می‌کند. (تصویر ۳)



تصویر ۳- زنگوله در علامت‌سازی، ۱۳۹۵/۷/۱۳، (<https://www.mehrnews.com>)

۹- تبرزین

تبر که به عنوان یک سلاح قدیمی شناخته شده است و نقوش مختلفی در هر دوره زینت بخش آن می‌شود. در مفرغ‌های لرستان این سلاح با نقش شیر ترکیب می‌شود که به لحاظ کاربرد این سلاح در جنگ ترکیبی منطقی است و در دوره‌های بعد هر چه کار هنرمندان بر روی این سلاح بیشتر می‌شود کارآیی آن کمتر و بیشتر جنبه‌ای نمادین و تشریفاتی به خود می‌گیرد. در دوران اسلامی اشعاری مذهبی از قبیل نصر من الله و یا چهره‌های خاندان امامت بر روی آن نقش می‌بندد و یادآور درویش و همچنین سمبل ویرانی بت و ظلمت است و نشان از جنگ بر علیه کفر و ظلم دارد. گاهی از تبر به عنوان یکی از اجزای علم و به عنوان نماد جنگ و برندگی استفاده می‌شود که در زیر صندوقچه تعبیه می‌گردد. (لطیف زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۳۰) (تصویر ۴)



تصویر ۴- تبر زین در علم با نقوش "یا ولی الله" و "یا حجه الله"، (<https://www.lorestan.mcth.ir>)

۱۰- پنجه

احجامی به شکل دست که بر روی آن‌ها، انواع تزئینات مختلف به کار رفته است. خطوط نوشتاری نظیر اسامی ائمه و گاه آیات قرآنی که با انواع مختلف نسخ یا نستعلیق نگاشته شده اند، در برخی نیز نقوش گیاهی تجریدی وجود دارد و در اکثر موارد، این تزئینات به صورت پرکار و ریز نقش هستند. در میان این تزئینات پیچش وار گیاهی و در هم تنیده نوشتار، وحدتی وجود دارد که چشم را در تمام سطح این پنجه‌ها به گردش درمی آورند، بدون اینکه تمرکز خاص در سطح آن وجود داشته باشد و شاید بتوان گفت که این خطوطی که چشم را با وقار و آرامش در کل سطح حرکت می دهند، تجلی وحدت در کثرت هستند که هنرمندان مسلمان با الهام و آگاهی کامل از روح هنر اسلامی، با زیبایی هر چه تمام تر این اصل را در ساخت این پنجه‌های ویژه عزاداری، به کار برده اند. (تصویر ۵)



تصویر ۵- پنجه فولادی یا نقره‌ای با تزئین نوشتار (<https://www.metmuseum.org>)



۱۱- حجم کروی

زیر خط افقی علم، حجم کروی شکل وجود دارد که سمبلی از کره زمین است و بدین معناست که پرچم امام حسین (ع) همیشه بر روی کره زمین استوار و پابرجاست. زمین علاوه بر معنی حقیقی آن که کره خاکی است، در مثنوی مفهوم دیگری نیز برای آن در نظر گرفته شده از جمله دل انسان که زمین خوانده شده است، زیرا که اندیشه‌ها از دل می‌روید همان طور که گیاهان از زمین سر بر می‌آورند.

۱۲- شمشیر

بیشتر شمشیرهای ساخته شده بر روی علامات بصورت دو سر و یادآور شمشیر حضرت علی(ع) است و دلیری و دلآوری آن بزرگواری را نشان می‌دهد که فرزند پاک ایشان نیز در واقعه عاشورا تا آخرین لحظ علیه ظلم شمشیر زد. (الهی، ۱۳۷۷: ۳۹)

جدول شماره ۱- تقسیم بندی بیشترین عناصر موجود در علم‌های آیینی

| ردیف | عمده ترین عناصر موجود در علم‌های آیینی |
|------|---|
| ۱ | نقوش خطوط قرآنی ادعیه و احادیث اسماء الله اسماء متبرکه و اهل بیت اسلیمی‌ها |
| ۲ | احجام پرنندگان: کبوتر، طاووس، هدهد، خروس حیوانات: شیر، بز، قوچ، آهو احجام تلفیقی: مرغ رخ، اژدها، سیمرخ |
| ۳ | عناصر تزئینی پره‌های رنگی تبرهای فولادی زنگوله تبر زین پنجه حجم کروی شمشیر |

منبع: نگارنده

نتیجه گیری

ارادت قلبی شیعیان به حضرت سید الشهداء و دیگر معصومین منجر به رشد و شکل‌گیری علم‌ها شده است، تا این که سمبل‌ها و نمادها به اوج خود رسیدند. تقریباً در تمام علم‌ها از نمادهای گیاهی، حیوانی، شمایل انسانی و خط‌نوشته‌ها استفاده می‌شود. علت اصلی استفاده از این نمادها پیام‌رسانی آن‌هاست. کتیبه‌ها شامل خطوط قرآنی، ادعیه و احادیث، اسماء الله، اسماء متبرکه و اهل بیت و اشعار می‌باشد. می‌توان گفت خط‌نوشته‌ها کاربرد را در علم‌ها و بیرق‌ها و ... دارند و نیز از ترکیب بندی خوب، زیبا و خاصی برخوردارند. نوع خطوط به کار رفته، نسل‌بندی و بیشتر نسخ می‌باشد و در مواردی تلفیق خطوط با یکدیگر را شاهد هستیم. نماد‌های حیوانی به دو بخش چهارپایان و پرنندگان تقسیم می‌شوند، که هر کدام بار معنایی خود را دارند. بسیاری از نماد‌های مورد استفاده در علم‌ها، از باور و اسطوره‌های ایران باستان ریشه گرفته است. انسان کامل در عقاید مذهب شیعه، امام حسین (ع) و ائمه اطهار می‌باشند.



منابع

۱. اسفندیاری، آپه‌نا(۱۳۸۸)، چلیپا، رمز انسان کامل، فرهنگ و هنر، شماره ۱: ۲۰ تا ۲۰.
۲. آلن، جیمز(۱۳۸۱)، هنر فولاد سازی در ایران، ترجمه پرویز تناولی، تهران: انتشارات یساوولی.
۳. الهی، محبوبه (۱۳۷۷)، تجلی عاشورا در هنر ایران. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، فرهنگ لغت. تهران: انتشاران دانشگاه تهران.
۵. ذوالفقاری، حسن (۱۳۷۲)، فرهنگنامه عاشورا، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹۸: ۲۸-۳۳.
۶. فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶)، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، تهران: صبا.
۷. لطیف زاده، مروارید (۱۳۸۸)، بررسی نقش فلز در اشیاء ویژه عاشورا. مجله هنر، شماره ۸۲: ۱۳۹-۱۱۳.
۸. مردانه، فهیمه (۱۳۹۳)، بررسی نمادهای فلزی(علم-علامت) در آیین های عاشورا، پایان نامه کارشناسی ارشد گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. هراتی، محمد مهدی (۱۳۸۰)، علم: تجلی هویت ملی مذهبی ایرانیان، کتاب ماه هنر، شماره ۴۰-۳۹: ۱۱۹.
۱۰. همایونی، صادق (۱۳۸۶)، نماد های اسطوره ای در عزا، عروسی، تعزیه و سوگواری های مذهبی در فارس، کتاب ماه هنر، شماره ۱۰۶-۱۰۵: ۶۰-۵۰.